



سوالات روزه گارودی درباره مذاکره و شناسایی اسرائیل

۱- اسرائیل، برای استقرار در جایی که قرار گرفته، هیچ‌گونه مشروعیتی ندارد؛ نه توراتی، نه قضایی و ویژه نه اخلاقی. چه سلوک داخلی و خارجی او (نژادپرستی، توسعه‌طلبی، تروریسم دولتی)، از او دولتی ساخته مثل سایر دولت‌ها و حتی یکی از بدترین آنها و شبیه به آنها که بیشترین وابستگی را با اسرائیل دارند، مثل:

۲- ایالات متحده، که در برابر اعراب، بدترین رفتارها را - که همانا رفتار آمریکایی‌ها با سرخوستان و سیامپوستان است - در پیش گرفته و بدترین اعمال (شبه آنچه با ویتنام کرد) را با عرب‌ها انجام داده و همان خیالیانی‌های «موکراتیک» (که در امریکای لاتین، با حمایت وی سبب ظهور خونبارترین دیکتاتورهای شده) را به خورد اعراب می‌دهد.

۳- آفریقای جنوبی، که آپارتاید و همان استعمار کهنه را اعمال می‌کند.

۴- ایالات متحده، که از سنت یهودی - که فقط به‌عنوان استعار و عذر توجیهی از آن استفاده می‌کند - بلکه از ملیت پرستی و استعمار غربی قرن ۱۹ زاده شده و شکلی از نژادپرستی، ملیت پرستی و استعمار است.

۵- این دولت از چنان ایدئولوژی خرافی و یک سلسله اعمال قهر و تروریسم، فقط از طریق یک رای غیر قانونی سازمان ملل متحد (که در آن زمان تحت سلطه قدرت‌های غربی استعمارگری بود) و فشارها و رشوه‌های بی‌شمارانه ایجاد شد. این کشور، نه از دسترس کار و نیروی خود، بلکه از طریق جانی شدن سیل پول و اسلحه غرب و بویژه حمایت بدون قیدوشرط و نامحدود ایالات متحده زندگی کرده است. ایالات متحده از این کشور یک جزء مهم در استراتژی جهانی خود و یک کنج امن در دل خاورمیانه ساخته است.

۶- دولت صهیونیستی اسرائیل، عاری از افسانه‌های سزائنده آن و جدا از تروریسم فکری (وقتی تروریسم جسمی در کار نباشد)، بدون شان و امتیاز و شخصیت مقدس خاص، وارد محدوده حقوق عمومی کشورها می‌شود. چه، تمام کشورهای نیز مثل اسرائیل، نه از طریق قانون «حق»، بلکه از راه توارز و روابط قدرت‌ها و عمل انجام‌شده ایجاد شده‌اند.

۷- بنابراین، نمی‌توان تاریخ و مرزهای تصادفی کشورها را به زور گلوله توپ بازسازی کرد. پس یک راه‌حل واقع‌گرایانه هر چه می‌تواند استوار شود؟

۸- بی‌معناست که از سازمان آزادیبخش فلسطین خواسته شود بدون قیدوشرط اسرائیل را به رسمیت بشناسد، لاقالبه دلیل ۳۰ ساله.

۹- الف: این امر به معنای این است که از فلسطینی‌ها توقع داشته باشیم غصب زمین‌ها و آواره کردن انسان‌ها را که خود قربانی آن بوده‌اند، مشروع اعلام کنند. اسرائیل، در فلسطین پیش از هر جای دیگری می‌تواند دقیقاً «در صورت اجبار»، به عنوان یک امر واقع پذیرفته شود، نه اینکه به عنوان یک «حق» به رسمیت شناخته شود. ب: اسرائیل، به خاطر ماهیت عصاره تشکیل دهنده‌اش (صهیونیسم سیاسی) و هویتش (تداوم غصب‌ها و جنگ‌ها) در توسعه دائمی است و پس از هر تهاجم و هر زمینه‌ساز، به یک «فشاری حیاتی قابل زیست» جدید چشم‌طمع می‌دوزد. بنابراین نمی‌توان اعتبار این مرزهای «قابل اتساع و کش آمدنی» را «به رسمیت» شناخت. از سازمان آزادیبخش فلسطین بخواهیم کدام اسرائیل را به رسمیت بشناسد؟ اسرائیل ناشی از تقسیم ۱۹۴۷ را که از طرف سازمان ملل متحد مشخص شده بود؟ یا اسرائیل پس از تجاوزات ۱۹۴۸ را که از طریق اعراب و جامعه دیرپا بین ایجاد شده؟ یا اسرائیل سال ۱۹۶۷، با فرجه‌هایی که از طریق جنگ هشتاددهنده و هجوم به دست آمده بود؟ اسرائیل ۱۹۸۲ تا کنون شهرک‌های مهاجرزینش آن؟ یا اسرائیل، ریهایی خودبزرگ‌بینانه هر تزلزل (از فرات تا نیل) و بن‌گروین (از لیبنانی تا سینا)، یا اسرائیل از ریل شارون که خواب در اختیار داشتن خاور نزدیک از ترکیه دارالان تا مصر سوتز را می‌بیند؟ یا اسرائیل طبق «یرنامه» تلاشی تمام کشورهای عربی بر اساس شکاف‌های قومی یا مذهبی آنان؟

۱۰- و بالاخره، چگونه می‌توان از سازمان آزادیبخش فلسطین خواست چیزی را به‌طور معتبر به رسمیت بشناسد، در حالی که آن چیز حتی حق حیات این سازمان را نفی می‌کند؟ چگونه می‌توان خواست اقدام بی‌شناسایی از سازمانی شد که حتی وجودش را انکار می‌کند؟ رهبران اسرائیلی می‌خواهند با کدام مخاطب نماینده‌تر دیگری طرف مذاکره قرار گیرند در حالی که حتی منتخبان فلسطینی‌ها و شهردارهای شان - که از طرف مردمی انتخاب شده‌اند که اکثریت قاطع آنان وابستگی خود به سازمان آزادیبخش فلسطین را نشان داده‌اند - تماماً به‌وسیله اشغالگران اسرائیلی برکنار شده‌اند؟

۱۱- آیا درباره تجاوزات جدید اسرائیل، از بین اعراب، مشتکی «توکر اجنبی» - همدست‌ها و «خودفروخته‌ها» و «هروسک‌ها» - که برای اعراب به‌مثابه «حداد» برای مسیحیان هستند، مورد مذاکره قرار خواهد گرفت؟

۱۲- حقیقت این است که حکام اسرائیل، از بگین تا شیمون پرز، نمی‌خواهند با هیچ کس مذاکره کنند. روزه گارودی

برونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی
نسرین حکمی
(چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اسفند ۱۳۶۴) - صفحات ۱۶۹ تا ۱۷۱

پژوهش آملاری «وطن امروز» درباره میزان نمایش تصاویر مجرمانه از پدر در سریال‌های شبکه نمایش خانگی

نمایشی علیه خانواده

حالی که شبکه نمایش خانگی طیف اصلی مخاطبان را طبقه متوسط جامعه می‌داند. در ادامه چند بخش مختلف این پژوهش بسط تحلیلی یافته و در انتها جدولی که نشان می‌دهد هر کدام از شاخص‌های منفی در ارتباط با شخصیت پدران در شبکه نمایش خانگی، چه درصدی را به خود تعلق داده‌اند، آورده شده است. باید توجه داشت که این پژوهش بر اساس تمام آثار نمایش خانگی از ابتدا تا نیمه سال ۱۴۰۴ است که بعضی از موارد سالم‌تر آن با مخاطبان کمتر و تعداد قسمت‌های پایین‌تر، این آمار را اندکی قابل تحمل‌تر کرده‌اند. اگر پلتفرم‌های نمایش خانگی شفافیت داشتند و تعداد واقعی مخاطبان هر برنامه یا سریال را اعلام می‌کردند، آنگاه می‌شد در پژوهشی جامع‌تر محاسبه کرد که مخاطبان به چه میزان در معرض مشاهده این ناهنجاری‌ها قرار داشته‌اند.

اجتماعی‌باشتابی؟

زیرگونه‌اجتماعی‌کده در ایران اشتباهات به آن زائر اطلاق می‌شود، در ۲ دهه اخیر به یکی از کلیشه‌های سینمای ایران تبدیل شده و نمایش خانگی هم از این قاعده مستثنا نیست. نشان دادن کمبودها و معضلات اجتماعی و به تبع آن جرائمی که ممکن است یک جامعه متحمل شود، جزو طبیعت این زیرگونه به شمار می‌رود. حال در ۱۰ درصد از آثار نمایش خانگی ما شاهد پدرانی هستیم که به واسطه جرائم عمد و غیر عمد در بخشی از روایت سریال زندانی هستند یا طبق اطلاعاتی که به مخاطب داده می‌شود، سابقه کیفری دارند. در کنار این شاخص و آمار، به طور خاص ۲۴٫۷ درصد سریال‌ها معرف کاراکترهایی با نقش پدر هستند که کارهای مجرمانه و خلاف انجام می‌دهند.

قابل توجه‌ترین سریال‌هایی که در آن پدرانی مجرم وجود دارند بیشتر به دنبال روایت‌هایی هستند که در آن شخصیت پدر به دلیل شرایط بد مالی، از روی ناگاه‌ها یا آگاهانه دست به بزهکاری می‌زند. این موضوع چه در سریال‌های طنزی چون هیولا و چه در آثار جنایی همچون «پوست شیر» خودنمایی می‌کند. چنین نگاهی به رابطه فقر و فساد تا حدی قابل پذیرش است اما از جایی به بعد جرم‌آفرینی فقر و شرایط بد خانوادگی پیامی جز ناچار بودن فقرا به انجام جرائم مختلف را به دلیل وضعیت ضعیف اجتماعی القا نمی‌کند، در حالی که فقر می‌تواند خود انگیزهای برای رشد فردی باشد. از سوی دیگر ما با آثار دیگری روبه‌رو هستیم که از آن سوی بوم آفاده‌اند و بین ثروت و فساد رابطه‌ای متقابل نشان می‌دهند. این دیدگاه هم به خودی خود برای مخاطب می‌تواند آسیب‌زا ظاهر شود، چرا که طبق محتوای این سریال‌ها ثروت در ذات خود ایجادکننده فساد است و پول نمی‌تواند از راه درست به دست بیاید. در تعداد دیگری از آثار هم مثل زخم کاری، حرص و طمع ثروت و جایگاه است که باعث ایجاد جرم و جنایت می‌شود. البته در نمونه مذکور همسر شخصیت اصلی است که پدر خانواده یعنی مالک را به سمت اعمال خلاف سوق می‌دهد و سریال در مواقعی مفهوم خانواده را مورد صدمه قرار می‌دهد.

در کل مجرم‌نمایی شخصیت‌های پدر در فیلم و سریال‌ها منجر به نمایش یک تصویر محدود و خشن از مفهوم پدر و مردانگی می‌شود. بعضاً دیده می‌شود فیلمسازان برای بیان تأثیرات منفی ناهنجاری‌های اجتماعی روی پدران و به طور کلی خانواده‌ها، سراغ روایت‌های جرم‌سستزانه و نشان دادن ریشه‌های بزهکاری می‌روند؛ این کار به نوبه خود اشکالی ندارد و ممکن است حتی مثبت باشد اما همان‌طور که ذکر شد در حال حاضر شاهد می‌شود تقریباً در یک‌چهارم آثار نمایش خانگی هر جا که مساله جرم بیان شود نام پدران به چشم



اگر از سریال‌هایی که در پی بیان بزهکاری و مجرم بودن پدران هستند گذر کنیم و به بیان مسائل درون‌خانوادگی که در دستر سریال‌ها وجود دارد بپردازیم باز به نتیجه مطلوبی دست پیدا نخواهیم کرد. به طور کلی در ۱۳٫۸ درصد آثار نمایش خانگی وجود دارند که مرتکب خشونت خانگی می‌شوند یا رابطه بدی با فرزندان خود دارند. این شاخص‌ها شامل اعمالی چون ضرب و شتم و تعرض به اعضای خانواده، استبداد و کنترل‌گری و خیانت می‌شود. از سوی دیگر در ۱۱٫۸ درصد سریال‌ها شخصیت‌های پدری که از همسر خود طلاق گرفته‌اند وجود دارد.

در سریال‌هایی که بیشتر به مسائل خانوادگی می‌پردازند، نوع دیگری از سیاه‌نمایی چهره پدر به چشم می‌خورد. سریال‌هایی از قبیل «زخم کاری» و «پوست شیر» بیشتر به دنبال داستان‌هایی هستند که در دنیای واقعی پیرامون مان‌انچنان که باید نمودهای مثال‌زدنی ندارد. در این سریال‌ها فیلمسازان بیشتر به دنبال نمایش خلاف‌های غیر معمول و عقابت آن هستند تا به طبقه فوق‌العاده مرفه جامعه یا تحت خط فقر انگ‌هایی که رنگ و بوی پوپولیستی می‌دهد بزنند. در تعداد دیگری از سریال‌ها، آثاری به چشم می‌خورد که صاحب اثر به طور جدی و دغدغه‌مند به دنبال ریشه‌های جدایی و طلاق می‌رود و پیامدهای آن را بررسی می‌کند. از بارزترین و برجسته‌ترین سریال‌های نمایش خانگی که به دنبال مساله طلاق می‌رود سریال «قرائت‌های شب» است. این اثر با آنکه در مواقعی بیشتر تقصیرات زندگی مشترک به نمایش درآورد اما بر عهده شخصیت مرد می‌اندازد اما در بستر روایت آن سعی شده به علل اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و... یک جدایی پرآواز و برجسته‌تر بین سریال‌ها با فراز و نشیب‌های یک زندگی و پایان آن همراه شود. فیلم و سریال‌هایی که سراغ مساله طلاق می‌روند معمولاً رویکرد معضلم‌شناسانه و مفیدی دارند اما زمانی که نگاهی جنسیتی و به تعبیری مردستزانه‌ای به خود گیرند، از ریل دغدغه‌مندی خارج می‌شوند.

از جمله مواردی که در سریال‌های مختلف نقش پدران در فرورپاشی بنیاد خانواده برچسته می‌شود اعتیاد، خشونت خانگی و خیانت است که تمام آنها به پرسوناژهای پدر شمایل‌ی کثیف می‌دهند. برای مثال در سریال زخم کاری که بسیاری از گره‌های دراماتیکش حول موضوع خانواده است، در آن به‌وفور مساله خیانت و روابط نامشروع دیده می‌شود. در سریال‌هایی از این قبیل که پیرامون قشر مرفه جامعه

سوءسابقه و حبس	۱۰٫۸ درصد
جرم و بزهکاری	۲۴٫۷ درصد
خشونت خانگی	۱۳٫۸ درصد
طلاق	۱۱٫۸ درصد
رابطه منفی پدر و فرزند	۱۳٫۸ درصد

